

مقدمه و تصحیح
دکتر احمد رضا
پایه ها

منظومه
غنائی
فیروز و نسیم
از نیار شیرازی



فیروز و نسreen

منظومه غنایی

سروده

نیاز شیرازی

مقدمه و تصحیح:
دکتر احمد رضا یامه‌ها

فرهنگ نشر نو
با همکاری نشر آسیر
تهران ۱۳۱۵

فیروز و نسرین
سروده
نیاز شیرازی
مقدمه و تصحیح
دکتر احمد رضا یلمه‌ها

فرهنگ‌لش‌رنو
تهران، خیابان میرعماد، خیابان سیزدهم، شماره سیزده
تلفن ۸۸۷۴۰۹۹۱
چاپ اول ۱۳۹۵
شمارگان ۵۵۰
چاپ و صحافی
سپیدار
ناظر چاپ بهمن سراج

همه حقوق محفوظ است.

فهرست کتابخانه ملی
سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
نیاز شیرازی، علی بن حسنعلی، ۱۱۹۷-۱۲۶۳ ق.
فیروز و نسرین : منظومه غنایی ناشناخته به خط سراینده/مقدمه
و تصحیح احمد رضا یلمه‌ها .
مشخصات نشر
تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری
۱۶۰ ص.
شابک
۹۷۸-۶۰۰-۷۴۳۹-۵۳-۱
وضعیت فهرست‌نویسی
فیپا
موضوع
شعر فارسی قرن ۱۳ ق.
منظومه‌های داستانی فارسی قرن ۱۳ ق.
شناسه افزوده
یلمه‌ها، احمد رضا، ۱۳۵۳ -، مقدمه‌نویس، مصحح
رده‌بندی کنگره
۱۳۹۴ ف / PIR۷۴۸۶
رده‌بندی دیویی
۸۱/۵
شماره کتاب‌شناسی ملی
۳۹۶۰۸۲۵

قیمت ۱۵۰۰۰ تومان
مرکز پخش
آسیم
تلفن و دورنگار
۸۸۷۴۰۹۹۲-۵

فهرست

پیشگفتار.....	۷
نگاهی به منظومه‌های غنایی در ادب فارسی.....	۹
نیاز شیرازی کیست.....	۱۳
آثار نیاز.....	۱۷
۱. دیوان.....	۱۷
۲. سفرنامه هندوستان.....	۱۷
۳. فیروز و نسرین.....	۱۸
سبک شعری نیاز در فیروز و نسرین.....	۲۱
۱. سطح زبانی.....	۲۱
۲. سطح بلاغی.....	۳۸
۳. سطح فکری.....	۴۵
نگاهی به داستان.....	۴۹
بررسی و تحلیل داستان.....	۵۳
نمونه‌هایی از تصویرسازی سراینده.....	۵۵

نگاهی به دست‌نوشتهٔ منحصر به فرد منظومه	۶۱
رسم‌الخط نسخه	۶۳
روش تصحیح	۶۷
علامتهای اختصاری (کوتاه‌نوشتها)	۶۸
متن منظومه	۶۹
تصویر صفحاتی از نسخه	۱۲۳
فهرست ترکیبات	۱۳۳
فهرست کنایات	۱۴۷
فهرست جایها	۱۵۳
فهرست کسان	۱۵۵
فهرست لغات	۱۵۷
منابع و مآخذ	۱۶۱

پیشگفتار

برخلاف آنچه تصور می‌شود، گنجینه غنی ادبیات منظوم فارسی، گرچه به وسیله پژوهشگران و اندیشمندان، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته، ولیکن هنوز زوایای ناشناخته آن بسیار است. کم نیست منظومه‌های سرایندگان سده‌های گوناگون ادب فارسی، که در گوشه و کنار کتابخانه‌های مختلف، رو به فراموشی است و با نگاهی عمیق‌تر و موشکافانه‌تر، می‌توان انبوهی از این آثار ناشناخته را شناسایی و معرفی نمود تا هرچه بیشتر به عظمت این اقیانوس عظیم پی بریم. با این هدف، کوشش شده است یکی از منظومه‌های کمتر شناخته شده ادب فارسی با نام فیروز و نسرین، در اثر حاضر شناسایی و مورد بررسی قرار گیرد. فیروز و نسرین از منظومه‌های عاشقانه‌ای است که بر وزن خسرو و شیرین سروده شده و نسخه منحصر به فرد آن، به خط سراینده، در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی محفوظ است. سراینده این اثر نیاز شیرازی است. میرزا سید علی شیرازی متخلص به نیاز، خوشنویس، پزشک و شاعر اواخر قرن دوازدهم هجری است. نیاز شیرازی پیش از سال ۱۲۳۵ قمری، سفری به

هندوستان داشته و سفرنامه‌ای در شرح این سفر، به رشته نظم کشیده است. علاوه بر آن، دیوان غزلیات و ساقی‌نامه‌ای را نیز به او انتساب داده‌اند. آنچه از آثار این شاعر ناشناخته، در کتابخانه‌های ایران موجود است، سفرنامه هندوستان و مثنوی فیروز و نسرین اوست. ظاهراً سراینده، موفق به اتمام این منظومه نشده است و تنها نسخه موجود از این اثر، حدود ۱۳۰۰ بیت از این منظومه را در بر دارد که سعی گردید در دفتر حاضر، متن موجود تا حد مقدور، به صورت منقح و پیراسته در اختیار فرهیختگان و علاقه‌مندان قرار گیرد. روش کار بدین صورت است که در آغاز، با نگاهی کوتاه به منظومه‌های غنایی در ادب فارسی، به معرفی اجمالی سراینده به همراه آثار او، بر اساس تذکره‌ها و کتب تراجم احوال موجود، پرداخته شد. سپس برای فایده بیشتر، خلاصه‌ای از داستان به صورت نثر معیار، همراه با تحلیلی مجمل از آن، ارائه گردید. در ادامه، نسخه منحصر به فرد این اثر، به همراه رسم الخط آن و نیز شیوه تصحیح، شناسایی و معرفی گردید. پس از آرایه متن منظومه، با توجه به ارزش نسخه، عکسی از این دست‌نوشته، ضمیمه متن شد تا خوانندگان فرهیخته، با دقت در نسخه مخطوط، علاوه بر پی بردن به چگونگی روش تصحیح، مواردی که در متن، مشکوک (و یا مبهم) باقی مانده را به مصحح یادآور شوند. برای استفاده بیشتر، نمایه‌ای کامل از ترکیات، کنایات، جایها و کسان، لغات و منابع و مآخذ مورد استفاده، بیان گردید. امید است این اثر مورد استفاده دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان شعر و ادب فارسی قرار گیرد. بعون الله و توفیق تعالی.

احمد رضا یلمه‌ها

اصفهان - ۱۳۹۲

نگاهی به منظومه‌های غنایی در ادب فارسی

بی‌تردید در بین شاخه‌های گوناگون شعر فارسی، هیچ شاخه‌ای جذاب‌تر و خواندنی‌تر از منظومه‌های غنایی و عاشقانه نیست و افق اشعار روایی عاشقانه از وسیع‌ترین افق‌های شعری ادب فارسی است. رواج قصه‌های عاشقانه در ادب فارسی تا آنجا بود که منظومه‌های بزمی و عاشقانه فراوانی، به واسطه شعرای زبان فارسی سروده شد و با نفوذ در بسیاری از گونه‌های دیگر ادبیات تفتنی، همچون خیمه شب‌بازی‌ها و قصه‌های عامیانه، دست‌مایه‌ای برای هنرمندان ایرانی در خلق زیباترین مینیاتورها و نگاره‌ها گردید. سرایش منظومه‌های عاشقانه در ادب فارسی، از اواخر قرن چهارم هجری آغاز می‌شود. «با رواج شعر غنایی در قرن پنجم و با توجه به زمینه‌های موجود و رونق داستان سرایی و منظومه‌پردازی، منظومه‌های عاشقانه نیز کم‌کم شکل می‌گیرد که از برخی نشانی‌های باقی است چون مثنوی‌های رودکی و یا بخشی از آن در دست است چون وامق و عذرای عنصری و یا تمام آن موجود است چون ورقه و گلشاه عیوقی. شاید بتوان داستانهای عشقی شاهنامه فردوسی را که در کنار جریانهای پهلوانی

و حماسی شکل می‌گیرد، سرمنشأیی برای نظم‌های دوران بعد دانست. داستانهای چون زال و رودابه، بیژن و منیژه، سودابه و سیاوش و اشاراتی به عشق شیرین و خسرو و بزم‌های بهرام گور. در همین دوران است که مثنوی به عنوان قالبی برای بیان منظومه‌های عاشقانه تثبیت می‌گردد» (ذوالفقاری، ۱۳۸۲: ۸-۷). این قالب در کنار یکدستی بحر که در سرتاسر شعر ثابت می‌ماند، بعدها به عنوان مشخصه‌ای ثابت و صوری برای تمام منظومه‌های ادب فارسی قلمداد می‌گردد. از لحاظ ساختار درونی نیز، دو عنصر روایت و توصیف در غالب منظومه‌های فارسی حاکم است. «در بخش روایی، شاعر معمولاً به خطی مستقیم به پیش می‌رود و زبانی کم و بیش ساده به کار می‌گیرد. حال آنکه در بخش‌های توصیفی، تمام تبخیر کلامی خود را با استعارات و صنایع لفظی، به نمایش می‌گذارد. عناصر دیگر عبارتند از تک‌گویی، گفتگوها (که غالباً به شکل نامه است)، تغنی، مثل و تأملات و اندرزهای شاعر... بدین ترتیب، در منظومه عشقی ایران، همه انواع ادبی دیگر گرد می‌آیند: شعر غنایی، مدیحه، پند و اندرز، هجو و وصف» (ی. ک. بورگل، ۱۳۷۰: ۱۴؛ و نیز انوشه، ۱۳۸۱: ۱۲۸۱/۲).

با رواج شعر غنایی در قرون بعد، سرایش منظومه‌های داستانی و عاشقانه، رواج افزون‌تری می‌یابد. این سیر تکوین داستانهای روایی همچنان تا سده‌های بعد، ادامه می‌یابد و در قرون دهم، یازدهم و دوازدهم هجری، به اوج روایی خود می‌رسد. تا آنجا که از لحاظ کمی و تعداد منظومه‌ها، در این دوران، بیشترین مثنویهای روایی و داستانی به وجود می‌آیند. شاعران این دوره، سرایش این قبیل آثار را نوعی رسالت شعری به شمار آورده و مجموعه‌هایی به نظم، در جواب منظومه‌های پیشین و یا به صورت ترجمه منظوم داستانهای هندی، و یا ابتکار و ایجاد داستانی به پیروی از

گذشتگان، به وجود آوردند. ویژگی بیشتر این منظومه‌ها ساده‌تر بودن، کوتاه‌تر بودن و عدم پیچش‌های زبانی است. «سادگی زبانی و عاری بودن مطلب از ساز و پیرایه‌هایی که استادان داستان سرای پیشین در اثرهای خود به کار می‌برند، و نیز خالی بودن آنها از تفتن‌هایی که در منظومه‌هایی معروف سابق می‌بینیم، از ویژگی‌های این منظومه‌های عهد صفوی است» (صفا، ۱۳۷۱: ۵/ ۵۹۴).

از طرفی باید گفت غالب منظومه‌هایی که در این دوران به وجود آمده، به گونه‌ای دنباله‌روی آثار نظامی است؛ چرا که بی‌تردید قلم‌نشین سرایش داستانهای بزمی و غنایی، نظامی گنجوی است و با وجود آنکه پیش از نظامی، کسانی چون فخرالدین اسعد گرگانی، عیوق و عنصری بلخی، به نظم داستانهای عاشقانه پرداخته‌اند، اما روی هم رفته هیچ کدام نتوانسته‌اند موفقیتی را که نظامی در نظم این قبیل از داستانها به دست آورده، کسب کنند. شهرت و محبوبیت خمسة نظامی باعث شد که آثار او از لحاظ تقلید و پیروی، گوی سبقت از دیگران برآید. تا حدی که به یقین می‌توان گفت که هیچ سراینده‌ای در زبان فارسی به اندازه نظامی، دنباله‌رو و مقلد نداشته است. پیروی از این آثار، محدود و منحصر به سرایندگان ایرانی نبوده، بلکه بسیاری از شاعران دیگر سرزمینها، به ویژه سرایندگان شبه قاره و سرزمینهای عثمانی، آثار فراوانی به زبان فارسی و یا دیگر زبانها (اردو، ترکی و...) به تقلید از نظامی آفریده‌اند. «پیروی از مثنویات نظامی همواره به دو شکل، صورت می‌گرفته است. گاه سراینده همان مضمون و درون مایه یکی از مثنویات نظامی، مانند لیلی و مجنون یا خسرو و شیرین را می‌گرفت و آن را در همان بحر و وزن، ولی با شاخ و برگهای تازه، در قالب واژگانی جدید می‌سرود؛ اما در بسیاری موارد،

سراینده درون مایه دیگری، معمولاً از داستانی کهن، برمی‌گزید و آن را در پیروی از نظامی، در وزن یکی از مثنویات او می‌ریخت و می‌سرود» (انوشه، ۱۳۸۰: ۲۵۶۶/۴). اوج رواج و روایی این منظومه‌ها در سرزمین هند و به ویژه در دربار گورکانیان، از قرن دهم به بعد است که به موازات ایران، در آن سرزمین، داستان‌سرایی فارسی ادامه یافته است. البته در این دوران، تغییراتی در منظومه‌سازی فارسی ایجاد شده و گاه نوآوری‌هایی در نام منظومه‌ها و نیز یافتن روایات تازه از داستانهای رایج، انجام پذیرفته است. مثلاً تغییر اسامی قهرمانان داستانها در ترجمه منظوم رامایانا از فیضی دکنی و نل و دمن از او که موضوع آن عمدتاً از داستان نلا و دمیانتی در مهاباراتا گرفته شده و نیز تغییراتی که در مضمون و محتوای داستانها ایجاد شده و سعی گردیده تا با محیط آن سرزمین مطابقت داده شود. همچون داستان سوز و گداز که قصه سوزناک هندویی است تازه جوان که در شب عروسی خود هنگام گذر از بازار، سقف بازار فرو ریخته و در معرض نیستی قرار می‌گیرد و عروس نیز که در کال زیبایی است، خود را پروانه‌وار بر آتش سوزان می‌زند و یا داستان شور خیال از بینش کشمیری، شاعر سده یازدهم هجری که در بیان سرگذشت عاشق و معشوقی بنارسی در برابر خسرو و شیرین نظامی به نظم کشیده شده است (رک. صفا، ۱۳۷۱: ۵ / ۸۴۹ و ۸۸۶ و ۱۳۲۲).

نیاز شیرازی کیست

میرزا سید علی پسر میرزا حسن علی پسر حاجی آقاسی بیگ افشار در ۱۱۹۷ هجری در شیراز متولد شد (وفات ۱۲۶۳). او از دوستان و اعضای انجمن ادبی حاجی علی اکبر نواب شیرازی، متخلص به بسمل (۱۲۶۳ - ۱۱۸۷ قمری) است که تذکره دلگشای او معروف است. بسمل شیرازی، نیاز را این چنین معرفی می‌کند: «اسم شریفش میرزا سید علی، نسبش از جانب ام، منتهی است به میرصدر و میرغیاث حسینی دشتکی شیرازی که فضایل و کالات ایشان، مستغنی از بیان است و از طرف اب، خلف الصدق مرحمت پناه، میرزا حسن علی طبیب شیرازی است که فلاطون عصر و جالینوس عهد بود. در محاسن اخلاق، یگانه آفاق و در محامد اوصاف، فرید و طاق؛ اشاراتش شفای دل دردمندان بودی و حقیر را در بعضی از کتب مشا، از زمره استادان» (بسمل شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۷۷).

شاعر در منظومه فیروز و نسرین به تخلص خود، این چنین اشاره می‌کند:

نیاز اکنون به دست آویز خامه بیان کن سر این سرپسته نامه

در اظهار حقیقت تا توان کوش ولی ز افسانه‌اش، در پرده می‌پوش
(متن: ۳۶ - ۳۷)

و یا در جایی دیگر چنین گوید:

نیاز را با خودی، اندوه برجاست چو بی‌خود گشتی آن اندوه برخاست
(متن: ۵۳۰)

عمده‌ترین مطالبی که دربارهٔ اوضاع و احوال این شاعر، از تذکرها و آثار موجود، می‌توان برداشت نمود چنین است:

۱. نیاز شیرازی در خانواده‌ای دانشمند و هنرپرور رشد و تعالی نموده است. پدر نیاز، میرزا حسن علی، فقیه، پزشک و حکیمی استاد بوده که آثاری همچون حاشیه بر شرح قطب‌الدین شیرازی بر قانون ابن سینا را، بدو منسوب کرده‌اند. مادر او، دختر میرزا جانی فسایی عموی حاج میرزا حسن حسینی فسایی، مؤلف فارسنامهٔ ناصری است. دایی نیاز حاجی میرزا ابراهیم مجتهد، فقیه و دانشمند روزگار خود بوده است. (رک. حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۱۱۰۸ - ۱۱۰۴ نیز معصوم علیشاه، ۱۳۴۵: ۳/۳۲۳ و معلم حبیب‌آبادی، ۱۳۳۷: ۵۷/۱).

۲. نیاز همچون پدر خویش، از خوشنویسان زمان خود بوده که رموز خوشنویسی را علاوه بر پدر خویش، از خواجه ابوالحسن خوشنویس فسایی، شاگرد درویش عبدالمجید طالقانی آموخته است. در مکارم الآثار می‌خوانیم: «خط شکسته‌اش در درستی، خط نسخ بر خطوط خوشنویسان کشید و در خط، به خوشنویس مشهور شد... وی نیز چندین نسخه از دیوان حافظ و خسرو و شیرین وحشی و خمسة نظامی و شاهنامهٔ فردوسی را به خط خویش کتابت کرد» (معلم حبیب‌آبادی، همان: ۵۸/۱). در حدیقة الشعرا نیز آمده است: «در شکسته مسلم و هر

صفحه خطش، از تعریف مستغنی است. اهلش به قیمت گزاف می‌خرند و سه شیوه می‌نوشت. یکی شیوه خواجه ابوالحسن فسوی که در نزد او مشق کرده بود و دیگر شیوه مرحوم درویش مجید و یکی هم شیوه خاص که از آن دو، ترکیب کرده و خیلی مطبوع بود» (دیوان بیگی شیرازی، ۱۳۶۴: ۱۹۴۴/۳).

۳. نیاز در حکمت و طب نیز مشهور بوده و چنانکه نوشته شده، در طب درس می‌گفته است: «مرحوم نیاز چندان کسب فضایل و کالات نموده که در حکمت و طب، به درجه اعلی ارتقا و صیت شعرش از شعری گذشت... در طب درس هم می‌گفته؛ و مرحوم حاجی میرزا حسن خان فسایی، مؤلف فارسنامه، در این علم در نزد او درس خوانده» (معلم حبیب‌آبادی، همان: ۵۸). بنا به نوشته بسمل شیرازی از این علم دوری می‌نموده و بیشتر علاقه به تدریس آن داشته است: «از علم طبش، حظی متکثر است؛ ولیکن از معالجاتش، اکثر احتراز و ابواب تعلیم و تعلمش باز است» (بسمل شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۷۸).

۴. بنابر نقل تذکره‌نویسان، نیاز شیرازی در بخشی از عمر، پریشان و مقروض می‌شود. «و از آنجا که همیشه ارباب فضل و کالات و اصحاب وجد و حال، از مال دنیا، تهی دست و به پریشانی و سختی باید به سر برند (الا ما شد و ندر) مرحوم نیاز نیز، بعد از چندی پریشان و مقروض شده، و خانه نشین و تکیه جدش، حاجی آقاسی بیگ، و ضیاع و عقار خود را در شیراز فروخت و قروض خویش را ادا نمود و مدتی به سرپرستی املاک خود، در قریه نوبندگان فسا، توقف فرمود و بعد از آن، عود به شیراز کرد و تا آخر عمر در آن شهر به سر برد» (معلم حبیب‌آبادی، همان: ۵۸). نیاز در پایان عمر به سبب بیماری وبا در گذشت (رک. انوشه، ۱۳۸۱: ۲۶۲۸/۴).

آثار نیاز

بنا بر نقل تذکره‌ها و کتب تراجم احوال، آثار زیر به نیاز انتساب دارد:

۱. دیوان

از نیاز شیرازی دیوانی مشتمل بر غزلیات و ساقی‌نامه باقی مانده که نسخه منحصر به فرد آن، که به قلم سراینده است، در کتابخانه شخصی فخرالدین نصیری با شماره ۳۲ موجود است (منزوی، ۱۳۴۹: ۲۵۹۰ و ۲۸۸۹). بنا بر نوشته معلم حبیب آبادی، اصل این دیوان، مشتمل بر پنج هزار بیت بوده (معلم حبیب آبادی، ۱۳۳۷: ۵۸) و علاوه بر غزل و ساقی‌نامه، قصایدی را نیز در بر داشته است. مؤلف طرائق الحقایق، بی‌تی از یکی از قصاید او را که در وصف زلزله شیراز (سال ۱۲۴۰) است، ذکر نموده است (معصوم علیشاه، ۱۳۴۵: ۳/۳۲۳).

۲. سفرنامه هندوستان

این اثر که از آن به نام مثنوی نیاز و مثنوی سفرنامه نیز یاد شده،

سفرنامه‌ای است منظوم در گزارش سفر نیاز شیرازی به هندوستان، که در سال ۱۲۳۰ و اندی (پیش از ۱۲۳۵ قمری) صورت پذیرفته است (انوشه، همان: ۲۶۲۸/۴). از این اثر، تنها یک دست نوشته، در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی با شماره ۸۹۷۵ موجود است. این نسخه، مشتمل بر ۲۴ برگ (۴۸ صفحه) است که به خط شکسته نستعلیق و توسط سراینده، کتابت گردیده است (درایتی، ۱۳۸۹: ۱۵۱/۶). سراینده در شرح سفر خود چنین بیان می‌دارد که پس از تحمل سختی‌های فراوان، از شیراز به بوشهر و از آنجا با کشتی به هندوستان سفر نموده است. در مسیر سفر از بمبئی، پونه، حیدرآباد، مدراس و دیگر جاها، دیدن کرده و به بیان بخشی از فرهنگ مردم هندوستان در اثنای ایات پرداخته است.

آغاز نسخه:

به نام خدایی که هوش و خرد چو خواهد به یک لحظه از کس برد
کند عاقلان را چنان گیج و دنگ که نه صلح دانند چه بود نه جنگ

(نسخه خطی ۸۹۷۵: ۱)

انجام نسخه:

نه بر تو پس اینها رود، از قضاست که هر کس به هند آید اینش سزااست

(همان: ۲۳)

۳. فیروز و نسرین

فیروز و نسرین منظومه‌ای است عاشقانه و حکمی که بر وزن خسرو و شیرین نظامی در بحر هزج مسدس مقصور سروده شده است. نویسنده مکارم الآثار، این اثر را با نام راز و نیاز معرفی می‌کند و می‌نویسد: «کتاب

راز و نیاز که آن مثنوی بر وزن گلشن راز (؟) و در قصه فیروز و نسرین خیالیه است، نزدیک به دو هزار و پانصد بیت [است] (معلم حبیب آبادی، ۱۳۳۷: ۵۸). ظاهراً نیاز شیرازی، منظومه‌ای داشته که فیروز و نسرین بخشی از آن اثر را تشکیل می‌داده و به انجام نرسیده است. در تذکره دلگشا می‌خوانیم: «مثنوی به بحر خسرو و شیرین، مشتمل بر قصه متخیله فیروز و نسرین در دست دارد و هنوز اتمام نیافته» (بسمل شیرازی، ۱۳۷۱، ۴۷۸).

سبک شعری نیاز در فیروز و نسرین

در این بخش به برخی از ویژگی‌های سبکی نیاز شیرازی در منظومه فیروز و نسرین پرداخته می‌شود و این منظومه از سه سطح زبانی، بلاغی و فکری مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

۱. سطح زبانی

برای تبیین ویژگی‌های زبانی این مثنوی، به برخی از فرآیندهای آوایی و زبانی آن اشاره می‌شود. فرآیندهای آوایی شامل تغییراتی است که بر اثر حذف، افزایش یک واحد آوایی و یا تبدیل و قلب آن صورت می‌پذیرد. علاوه بر آن، در این بخش به ویژگی‌های قافیه و خصایص لغوی این منظومه اشاره می‌شود.

الف) تشدید مخفف: اضافه شدن یک واج به وسیلهٔ مشدد شدن آن را در اصطلاح، تشدید مخفف می‌گویند که در این منظومه نمونه‌های فراوان دارد. از آن جمله است تَفّ (بیت ۱۰۹۰)، پَرّ (۱۵۷)، اقمیدوارم (۹۸۰)، قَدّ (۱۶۴).

ب) حذف و تخفیف کلمات: گاهی بالعکس در واژه یا ترکیبی، یک یا چند واج حذف و مخفف می‌گردد. از آن جمله است: فرموش به جای فراموش (۴۳۳، ۵۸۰، ۱۱۰۰)، پردخته به جای پرداخته (۱۱۶۹)، فند به جای افتد (۱۲۲۸)، فغان به جای افغان (۳۷۴، ۴۹۱، ۱۰۳۸، ۱۰۶۵، ۱۰۷۱، ۱۲۰۷، ۱۲۵۲)، فتاده به جای افتاده (۱۶۶، ۲۴۹، ۲۷۹، ۵۴۲، ۷۹۷، ۱۲۶۴)، فسانه به جای افسانه (۱، ۲۵، ۳۱، ۴۱۱، ۴۲۲)، فسون به جای افسون (۲۹۲) و ...

ج: اسکان مصوت:

بود ایوانش را پایه به کیوان ز اورنگش مبادا خالی ایوان
(متن: ۹۵۹)

ز گلشن جانب ایوانش آورد به بوی وصل جانان، جانش آورد
(متن: ۱۱۲۵)

د: حذف کسره اضافه

گهی از بار کوه هجر و اندوه نمودی قصد افکندن خود از کوه
(متن: ۶۶۹)

همه همسایگان گشتند شب‌خیز ز افغان دل آن مرغ شب‌آور
(متن: ۸۰۲)

ه: یکی از ویژگی‌های زبانی این اثر، تبدیل مصوت‌هاست که در برخی از واژگان، مصوت آ به ـ و یا مصوت او به ا تغییر پیدا کرده است. از آن جمله است: خرگه به جای خرگاه (۱۰۵۸، ۱۰۶۳)؛ شه به جای شاه (۱۲۴)، ۲۷۳، ۲۸۳)؛ انده به جای اندوه (۱۲۱۴) و گاه افزودن مصوت به کلمات

همچون زیاده (به جای زیاد، ۱۲۶۴)؛ آوازه (به جای آواز، ۱۰۶۵)؛ شماره (به جای شمار، ۶۴۲، ۱۱۳۰)؛ آشکاره (به جای آشکار، ۴۷۶).

۱-۱. قافیه

یکی از ویژگی‌های کلام نیاز شیرازی در خصوص قافیه، آن است که واژگان به ضرورت شعری، با همان تلفظ کهن، خوانده می‌شود. در برخی از موارد نیز، ظاهراً لهجه شیرازی شاعر در تلفظ و انتخاب قافیه، نقش داشته است.

چو چشم توست رهزن گو برن خوش که زین سان رهزنم پس هست دلکش
(متن: ۸۸۲)

چو من دورم کنون زآن روی مهوش مبارک بر تو باد این دولت خوش
(متن: ۳۷۹)

بر او بنشست همچون خور به گردون خور از گردون ز غیرت گشت پنهان
(متن: ۱۰۲۶)

گریو کوس برشد ز اوج گردون نفیر چاوشان شد تا به کیوان
(متن: ۱۱۹۶)

بیشتر قافیه‌های شعری در این منظومه، قافیه‌های اسمی خوش آهنگ است همچون روایت و حکایت؛ طاووس و زمین بوس؛ شاخ و گستاخ؛ مست و دست؛ سنبل و گل؛ ریحان و فروزان؛ شمشاد و آزاد و... در کنار آن قافیه فعلی نیز کاربرد وسیعی دارد. همچون نهفته و شکفته؛ خندید و درخشید؛ بودی و نمودی؛ بست و می‌خست، گشادند و اوفتادند، رانند و ماندند، پسندی و ببندی و...